

چکیده

بازار بین بانکی بنا به تعریف، بخشی از بازار پول است که امکان تأمین منابع کوتاه‌مدت و بسیار کوتاه‌مدت را از طریق ابزارهای متداول فراهم می‌کند. کارکرد بازار عمده‌فروشی پول که عمدتاً در قالب بازار بین بانکی شکل می‌گیرد، مدیریت نقدینگی بانک‌هاست که در آن عامل زمان تعیین کننده است. بانک‌های کوتاه در این بازار آن‌هایی هستند که در زمان سررسید یک پرداخت، نمی‌توانند از عهده آن برآیند. در مقابل بانک‌های بلند آن‌هایی هستند که برای مدتی محدود، از مازاد وجوهی برخوردارند. بانک‌های کوتاه و بلند در این بازار براساس ترتیبات و قواعد حاکم بر بازار با یکدیگر مبادله می‌کنند و ضرورت مراجعه به بانک مرکزی را به حداقل ممکن کاهش داده و امکان اجرای سیاست‌های پولی را برای مقام پولی فراهم می‌آورند. در این مقاله بازار بین بانکی در بستر قانون عملیات بانکی بدون ربا و الزامات و محدودیت‌های آن، نحوه تأمین منابع و نحوه تعیین نرخ سود علی‌الحساب و قطعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، ضرورت ایجاد و گسترش بازار و تشدید آن در شرایط انتقال از سیستم پرداخت‌های چندجانبه خالص به سیستم تسویه ناخالص آنی و در نهایت الزامات، پیش‌نیازها و اقدامات انجام شده توسط بانک مرکزی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: بازار بین بانکی، بانک کوتاه و بلند، سیستم تسویه ناخالص آنی.

۱- مقدمه

بازار بین بانکی بنا به تعریف، بخشی از بازار پول است که امکان تأمین منابع کوتاه‌مدت را از طریق ابزارهای متداول برای بانکها فراهم می‌کند. این بازار همچنین اجرای مؤثر و کارای سیاست‌های پولی را برای بانک‌های مرکزی امکان‌پذیر ساخته و اثربخشی آن را افزایش می‌دهد. نرخ رایج در این بازار، مرجع و مبنایی برای کارکرد اقتصاد است.

بازار مبادلات عمده پول که عمدتاً در قالب بازار بین بانکی شکل می‌گیرد، از حیث اندازه و نوع کارکرد با بازار مبادلات خرد پول که ناظر به روابط بانکها با سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات است، متفاوت می‌باشد. بازار مبادلات عمده، بازار کوتاه و بسیار کوتاه‌مدت مبادله وجوه بوده و برخلاف نوع خرد آن، هدف بانکها از مراجعه به این بازار تأمین منابع جاری برای فعالیت‌های متداول نیست. بانکها معمولاً منابع موردنیاز برای اعطای اعتبارات را از طریق تجهیز سپرده‌های اشخاص تأمین می‌کنند. کارکرد عمده بازار بین بانکی پول، مدیریت نقدینگی بانکهاست که در آن عامل تعیین‌کننده و تصمیم‌ساز، عامل زمان بوده و آنچه عمدتاً در این بازار مبادله می‌شود، وقت است. بانک‌های کوتاه^۱ در این بازار آن‌هایی هستند که در زمان سررسید یک پرداخت، نمی‌توانند از عهده آن برآیند. در صورتی که قید زمان از این میان برداشته شود، بانک‌های مزبور منابع کافی برای پرداخت را پیدا می‌کنند. در مقابل بانک‌های بلند^۲ یا برخوردار آن‌هایی هستند که برای مدتی هرچند کوتاه و محدود، از مازاد وجوهی برخوردارند که دارای هزینه فرصت است. بانک‌های کوتاه و بلند در این بازار براساس ترتیبات و قواعد حاکم بر بازار با یکدیگر مبادله می‌کنند و ضرورت مراجعه به بانک مرکزی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهند؛ ضمن این‌که بازار مزبور اثربخشی سیاست پولی و امکان اجرای آن را برای بانک مرکزی بهبود می‌بخشد. امروزه نقش و اهمیت بازار در ابعاد مختلف از قبیل: تأمین نیازهای بانکها، حداکثر سودآوری از منابع مازاد، امکان تنظیم سیاست پولی، استخراج نرخ و ... بسیار بدیهی و آشکار بوده و به جرأت می‌توان ادعا کرد که در همه کشورها بازار مزبور به‌عنوان بخش مکمل بازار پول فعال است.

در این مقاله، بازار بین بانکی از چند منظر متفاوت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. نخست، بازار بین بانکی، در بستر قانون عملیات بانکی بدون ربا و الزامات و محدودیت‌های آن، نحوه تأمین منابع، عقود اسلامی قابل استفاده در بازار و نحوه تعیین نرخ سود علی‌الحساب و

^۱ Short

^۲ Long

قطعی که امکان مبادله وجوه بین بانک‌ها را فراهم می‌کند و از سوی دیگر بازار بین بانکی، به‌عنوان محلی برای تنظیم رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها و محملی برای اجرای سیاست پولی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ضرورت ایجاد و گسترش بازار مزبور در کشور، نه تنها به تقویت نقش بانک مرکزی به‌عنوان آخرین منبع تأمین مالی بانک‌ها- که در حال حاضر اولین و مطمئن‌ترین منبع برای بانک‌ها به شمار می‌رود- کمک می‌کند، بلکه از سوی دیگر به استفاده بانک مرکزی از نرخ برای تنظیم تقاضا برای پول و کنترل پایه پولی از طریق انبساط یا انقباض ذخایر آزاد بانک‌ها می‌انجامد. در ادامه، به ضرورت‌های ایجاد و گسترش بازار و تشدید آن در شرایط انتقال از سیستم پرداخت‌های ناخالص آنی به سیستم تسویه ناخالص آنی پرداخته می‌شود. در نهایت به الزامات، پیش‌نیازها و اقداماتی که تاکنون توسط بانک مرکزی صورت پذیرفته است، اشاره می‌گردد.

۲- بازار بین بانکی ریالی از منظر قانون عملیات بانکی بدون ربا

از قوانین لازم‌الاجراء در سیستم بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون ربا است که با هدف حذف عملیات ربوی در بانک‌ها و انطباق فعالیت‌های بانکی با موازین شرع، در شهریورماه سال ۱۳۶۲ تصویب و از ابتدای سال ۱۳۶۳ به‌مورد اجرا گذاشته شده است. در فصل اول این قانون، اموری از قبیل استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل، حفظ ارزش پول، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها، تسهیل مبادلات بازرگانی و همچنین اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری طبق قوانین و مقررات، از اهداف و وظایف نظام بانکی برشمرده شده است. فصل چهارم قانون، ناظر بر ابزارهایی است که بانک مرکزی در جهت حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور به‌کار می‌گیرد و فصل پنجم بر لزوم انجام عملیات بانکی غیر ربوی بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و بانک‌ها با یکدیگر تأکید دارد.

مطابق مفاد این قانون، بانک‌ها می‌توانند تحت عناوین "سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس انداز)" و "سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار" به قبول سپرده مبادرت ورزند. بانک، در به‌کارگرفتن "سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار" وکیل است و می‌تواند سپرده‌ها را در "امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله" مورد استفاده قرار دهد و منافع حاصل از این عملیات را براساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک، به نسبت مدت و مبلغ درکل وجوه به‌کارگرفته شده در عملیات تقسیم نماید.

خوشبختانه آیین‌نامه اجرایی قانون به‌گونه‌ای تنظیم گردیده که دارای امکان و ظرفیت فعال نمودن بازار بین بانکی ریالی به‌عنوان یکی از روش‌های تأمین منابع مالی بانکی است. قانون مزبور اشاره مستقیمی بر نحوه فعالیت بین بانکی ندارد و در ماده (۲۱) بر لزوم رعایت عملیات غیرربوبی بانک‌ها تأکید می‌کند، لیکن مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا که به امور متفرقه اختصاص دارد، زمینه ایجاد بازار را فراهم کرده است. در ماده (۲) آیین‌نامه موصوف اشاره شده است: "بانک‌ها می‌توانند بخشی از منابع مورد نیاز بانک‌های دیگر را به‌ترتیب اولویت از محل منابع سپرده‌گذاری شده و یا از محل منابع خود تأمین نمایند". در ماده (۳) نیز تأکید شده است: "در مواردی که تأمین منابع توسط یک بانک برای بانک‌های دیگر از محل منابع سپرده‌گذاری صورت گیرد، بانک گیرنده منابع به وکالت توکیلی از طرف بانک تأمین‌کننده منابع، وجوه حاصله را طبق ضوابط مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌شرح آیین‌نامه تجهیز منابع پولی منحصراً به مصارف امور موضوع ماده (۹) خواهد رساند". برطبق ماده اخیر، بانک‌ها می‌توانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را که در به‌کارگیری آن‌ها وکیل هستند، به‌عنوان منابع سپرده‌گذار در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به‌شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار دهند. همچنین در ماده (۴) آمده است: "در مواردی که تأمین منابع توسط یک بانک برای بانک‌های دیگر به‌صورت وام یا اعتبار و نظایر آن از محل منابع خود بانک صورت گیرد، وجوه دریافتی توسط بانک گیرنده، جزء منابع بانک اخیر محسوب می‌گردد. سود و یا کارمزد این قبیل تسهیلات بین بانک‌ها از یک طرف به حساب درآمد بانک تأمین‌کننده منابع و از طرف دیگر به حساب هزینه بانک دریافت‌کننده منظور می‌شود". بر این اساس و با توجه به مواردی که در مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا به آن‌ها اشاره شده است، ملاحظه می‌شود که بانک‌ها می‌توانند بخشی از منابع مورد نیاز بانک‌های دیگر را به‌ترتیب اولویت از محل منابع سپرده‌گذار و یا منابع خود به روش وکالت توکیلی، تأمین نمایند. بنابراین بستر و زمینه‌های حقوقی منطبق با قوانین جاری جهت راه‌اندازی بازار مزبور در قانون و آیین‌نامه‌های آن موجود بوده و نیازی به اصلاح قوانین و یا اخذ مجوزهای جدید از قانون‌گذار وجود ندارد.

۳- نحوه تعیین نرخ سود و عقود متداول در بازار

گرچه مفاد قانونی موصوف تنها ناظر بر عملیات سپرده‌گذاری و سپرده‌گیری بین بانکی است، لیکن هم‌اکنون ابزارهای مالی متعددی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا وجود

دارد که می‌تواند در بازار بین بانکی مورد استفاده قرار گیرد. از جمله این ابزارها می‌توان به اوراق مشارکت نزد بانک‌ها، گواهی سپرده عام و خاص و خرید و فروش دین اشاره نمود.^۱ متناسب با روش‌های مرسوم در بازار، تعیین نرخ سود با توجه به نحوه تأمین منبع و نوع عقود اسلامی در قراردادهای متفاوت خواهد بود. توضیح اینکه با توجه به محل تأمین منابع مورد نیاز بانک و نوع معامله از قبیل واگذاری گواهی سپرده، خرید و فروش دین و اوراق مشارکت، نرخ سود، متفاوت می‌باشد. در صورتی که عملیات در بازار بین بانکی مبتنی بر سپرده‌گذاری یک بانک نزد بانک دیگر باشد و منابع از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردمی تأمین گردد، بانک گیرنده منابع به وکالت توکیلی از طرف بانک تأمین‌کننده منابع، وجوه حاصله را طبق ضوابط مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرد و نرخ سودی متناسب و به صورت علی‌الحساب در اختیار بانک تأمین‌کننده وجه قرار دهد تا به صاحبان حساب پرداخت گردد. در این حالت، رابطه حقوقی تعریف شده بین دو بانک، رابطه وکیل و موکل (عقد وکالت) بوده و کلیه ضوابط حاکم بر سپرده‌گذاری اشخاص نزد بانک‌ها، ساری و جاری خواهد بود. بدیهی است مطابق با روش متداول در بانکداری بدون ربا، در صورتی که مصرف منابع توسط بانک دوم در عقود مشارکتی به کار رود، نرخ‌های سود علی‌الحساب باید در پایان دوره مالی و یا در انتهای اجرای پروژه از سوی بانک دوم قطعی و مابه‌التفاوت آن اعم از سود و یا زیان تسویه گردد. لیکن اگر مورد مصرف آن در عقود غیرمشارکتی باشد، نرخ‌های سود قطعی تلقی می‌گردد. با توجه به این که امکان شناسایی و تفکیک نحوه مصرف وجوه تجهیز شده در بازار در عقود مشارکتی و غیرمشارکتی به آسانی میسر نبوده و عملاً بانک‌ها را با مشکل مواجه می‌کند، لذا رویه مرسوم در روابط اشخاص با بانک‌ها را می‌توان به این قبیل عملیات نیز تعمیم داد. بنابراین روش عملی‌تر آن است که کلیه نرخ‌های بازار بین بانکی فارغ از نوع عقد، علی‌الحساب تلقی گردیده و در پایان دوره مالی و متناسب با حجم و زمان و در قالب فرمول‌های مرسوم، قطعی گردد.^۲

در صورتی که منابع بین بانکی از طریق منابع بانک از قبیل سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری و یا سایر منابع بانک (سرمایه) صورت گیرد، رابطه حقوقی متفاوتی بین دو بانک حاکم خواهد بود. در این حالت گرچه الزام قانونی در به‌کارگیری آن در قالب موصوف در ماده (۹)

^۱ برای مطالعه بیشتر در زمینه ابزارهای معرفی در بازار بین بانکی ریالی در ایران به کتاب "بازار بین بانکی ریالی" منتشره توسط پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. (تابستان ۱۳۸۵) مراجعه شود.

^۲ گفتنی است در حال حاضر به دلایل مختلف از قبیل پایین بودن کارآیی بانک‌ها به دلیل مدیریت دولتی، الزامات و تکالیف متعدد بودجه‌ای و غیربودجه‌ای، معمولاً در صورت پایین تر بودن بازدهی بانک‌ها از نرخ سود اولیه، بنابراین عقد "هبه" مابه‌التفاوت به مشتری بخشیده می‌شود. لیکن در صورتی که سود نهایی بیشتر از سود اولیه باشد، بانک ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت است.

آیین‌نامه تجهیز منابع پولی وجود ندارد، لیکن رعایت ماده ۲۱ قانون عملیات بانکی مبنی بر منع عملیات ربوی جاری می‌باشد. در این فرض، رابطه حقوقی مبتنی بر دائن و مدیون (در قالب عقد دین) بین دو بانک حاکم بوده و عملاً ارتباط بانک اول با منبع سپرده‌گذاری شده در بازار قطع گردیده و در مقابل ذمه بانک دوم به اصل مبلغ دریافتی مشغول خواهد شد. این محدودیت منبعت از آیین‌نامه اجرایی، عملاً هرگونه انتفاع بانک اول را از منابع تخصیص داده منتفی نموده و به نوعی قرض الحسنه تلقی می‌گردد. لذا اخذ هرگونه سود با توجه به اصل "کل قرض یجر نفعاً فهو ربا" غیرمجاز بوده و به جهت ربوی بودن، مغایر با موازین شرع و در تناقض آشکار با ماده ۲۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود. بدیهی است که با توجه به محدودیت موصوف، ترجیح بانک‌ها آن خواهد بود که منبع بین بانکی حتی‌الامکان از محل وجوه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردمی تأمین گردد.

با توجه به تحلیل ارائه شده، ممکن است این شبهه به ذهن بیاید که بازار بین بانکی امکان تأمین منابع بسیار کوتاه‌مدت از قبیل پرداخت سپرده قانونی به بانک مرکزی را منتفی می‌کند؛ چرا که اولاً بانک‌های سپرده‌گذار به جهت محدودیت موصوف، تمایلی به سپرده‌گذاری از محل منابع خود ندارند و از طرفی منابع تجهیز شده از محل منابع مردمی ضرورت دارد به وکالت توکیلی در امور سرمایه‌گذاری به شرح مندرج در قانون به کار گرفته شود. بنابراین بازار بین بانکی عملاً در تأمین منابع بسیار کوتاه‌مدت فاقد کارایی بوده و یکی از مهم‌ترین منافع بازار که از قید محدودیت زمان نشأت گرفته و به جهت ریسک نقدینگی بانک متقاضی، می‌توانست گره‌گشا بوده و در سیستم‌های متداول جهانی منشاء اثر باشد، عملاً در این چارچوب فاقد کارایی لازم خواهد بود.

در پاسخ به این شبهه متذکر می‌گردد که اصولاً عملیات بانکی، چه در چارچوب متداول و چه در چارچوب اسلامی، اصولاً بر تجهیز و تخصیص منابع و واسطه‌گری وجوه استوار بوده و فارغ از اینکه بانک در این فرایند، ربوی و یا غیرربوی عمل نماید، نقش تأمین‌کننده منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاران از محل منابع سپرده‌گذاران را بر عهده دارد. در جریان این فرایند، بانک‌ها برخی از اوقات بر مبنای رابطه حقوقی دائن و مدیون و گاهی بر مبنای وکالت و مشارکت عمل می‌کنند. لیکن آنچه مسلم و آشکار است آن‌که بروز کسری منابع و عدم سازگاری منابع و مصارف که بانک‌ها را با کمبود آنی و موقتی منابع مواجه کرده و آن‌ها را به‌سوی بازار بین بانکی گسیل می‌دارد، ناشی از تأخیر در بازدریافت منابع پیش‌بینی شده و یا ناشی از تصمیم مدیریت بانک در استفاده از فرصت‌های سودآوری است که جملگی در چارچوب نحوه استفاده از منابع بانکی و منطبق با قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت می‌گیرد. گرچه این عدم

سازگاری بعضاً در عدم توان پرداخت سپرده قانونی و یا سایر نیازهای فوری بانک متجلی می‌گردد، لیکن نباید فراموش کرد که علت اصلی این نقیصه و یا خلأ، به‌کارگیری منابع در چارچوب مقررات و ضوابط حاکم بین بانک و مشتری بوده و لذا استفاده از منابع بین بانکی تجهیز شده از محل منابع مردمی بانک اول در پرداخت سپرده قانونی (بر فرض مثال) مغایر با ضوابط موصوف نخواهد بود و پرداخت سود علی‌الحساب به آن بلاشکال به نظر می‌رسد. از مجموع مباحث مطرح شده در این بخش می‌توان به کارآبودن بازار بین بانکی در تأمین منابع بسیار کوتاه‌مدت با پرداخت سود علی‌الحساب اطمینان یافت.

سایر معاملات بازار از قبیل خرید و فروش دین و یا اوراق مشارکت، همان‌گونه که از اسم آن نیز پیداست، نوعی خرید و فروش قطعی تلقی شده و به نظر می‌رسد اعمال نرخ‌های علی‌الحساب و مقدماتی در مورد آنان ضرورتی نداشته باشد. توضیح آن‌که در مورد اوراق مشارکت به واسطه الحاق کوپن با نرخ سود علی‌الحساب معین و روزشمار، معاملات صورت گرفته و تسویه کامل انجام می‌پذیرد. در مورد خرید دین نیز اعمال نرخ متناسب با هزینه فرصت پول و یا نرخ فروش اقساطی میسر بوده و معاملات قطعی می‌گردد. در مورد سایر ابزارهایی که متناسب با شرایط و در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا معرفی خواهد شد، امکان اعمال یکی از دو فرآیند فوق، عملی خواهد بود.

۴- تفاوت و دامنه نرخ در بازار

بازار بین بانکی بر خلاف بازار مبادلات خرد که مبتنی بر روابط سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات از بانک‌ها بوده و از حیث تعداد و حجم مبادلات، بزرگ و از نظر میزان کوچک است، تعداد اعضای بازار و مبادلات محدود بوده لیکن حجم و اندازه مبادلات معمولاً کلان و قابل توجه است. بانک‌ها این بازار را محلی برای مدیریت منابع و مصارف و پوشش ریسک نقدینگی تلقی کرده و در مبادلات بازار وارد می‌شوند. بنابراین منطقی است که سود حداکثری و جبران هزینه فرصت پول، انگیزه اصلی مشارکت بانک‌ها در مبادلات بین بانکی باشد.

در بازار مبادلات خرد، همواره تفاوتی منطقی بین نرخ سود سپرده و تسهیلات که اصطلاحاً حاشیه سود بانکی^۱ نامیده می‌شود، وجود دارد. این تفاوت، ناشی از هزینه‌های غیرعملیاتی بانک‌ها بوده و شامل سپرده قانونی، هزینه کارشناسی و مطالعات امکان‌سنجی، هزینه پرسنلی و سربار، ریسک، ذخیره‌گیری و حق‌الوکاله به‌کارگیری منابع می‌باشد. لذا وجود تفاوت بین دو نرخ

^۱ Spread

مذکور ضروری است. در بازار بین بانکی به جهت صفر بودن نسبت سپرده قانونی، محدود بودن تعداد مبادلات روزانه، صفر بودن ریسک مبادلات و عدم نیاز به ذخیره‌گیری، الزامی برای اعمال نرخ دوگانه در فرایند سپرده‌گیری و سپرده‌گذاری از نقطه‌نظر موارد موصوف متصور نبوده و می‌تواند حسب شرایط و اقتضائاتی از قبیل تنگناهای بانک کوتاه، فشار مشتریان بانک، فشار بانک مرکزی و ...، یکسان و یا متفاوت باشد. تأخیر در تسویه مبادلات بین بانکی توسط بانک‌های بدهکار، به مشتریانی که منتظر دریافت مطالبات خود هستند، منتقل می‌شود. مشتریان برای تسریع کار به بانک‌های خود فشار می‌آورند. هر قدر صنعت بانکداری رقابتی‌تر باشد، بانک‌ها نسبت به این فشارها حساسیت بیشتری نشان می‌دهند. همچنین هرچه مشتریان از حقوق تعریف شده‌تری برخوردار باشند، می‌توانند حقوق خود را اهرم فشاری بر بانک‌ها قرار دهند تا در بازپرداخت بدهی‌های خود تعجیل کنند.

از سوی دیگر بانک مرکزی نیز به‌عنوان عضو ممتاز و ناظر و هماهنگ‌کننده بازار بین بانکی، بانک‌هایی را که در پایان روز کاری نتوانند منابع مورد نیاز خود را تأمین کنند، به‌عنوان آخرین منبع، تأمین نموده و حسب مورد و اقتضائات سیاست پولی، تنبیه می‌کند. این تنبیه می‌تواند اعمال نرخ یکسبه برمانده بدهی بانک در پایان روز کاری، اعمال نرخ جریمه بر اضافه برداشت بانک از منابع بانک مرکزی و یا لغو عضویت موقت بانک از بازار بین بانکی در صورت تکرار سوء مدیریت نقدینگی باشد. از بحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که درجه رقابتی بودن صنعت بانکداری، میزان برخورداری مشتریان بانک‌ها از حقوق متعارف آن‌ها در یک اقتصاد توسعه‌یافته و اقدامات تنبیهی بانک مرکزی، سه ساز و کار عمده‌ای هستند که ساختار انگیزشی بانک‌ها را در تنظیم رفتار آن‌ها در بازار بین بانکی شکل می‌دهند. کوتاه سخن آن‌که این ساز و کارها، هزینه عدم ایفای تعهدات یک بانک را در پایان روز مشخص می‌کنند. هرچه این هزینه برای بانک بیشتر باشد، بانک مزبور حاضر است نرخ بالاتری را برای دریافت وجوه کوتاه‌مدت در بازار بین بانکی بپردازد.

بدیهی است مکانیزم تعیین نرخ در بازار به‌گونه‌ای خواهد بود که حداقل آن از نقطه نظر عرضه‌کنندگان منابع، کمتر از نرخ سود سپرده‌های متناظر در بازار خرده‌فروشی نباشد. چرا که بانک می‌باید در آن حد پاسخگوی مشتریان خود باشد. سقف نرخ نیز در حد نرخ جریمه بانک مرکزی است؛ نرخی که در آن منابع بانک مرکزی به‌ناچار در اختیار بوده و در صورت برداشت برنامه‌ریزی نشده و یا به‌عنوان آخرین منبع، در اختیار بانک‌ها است. انتظار می‌رود که نرخ مبادله در بازار بین بانکی در دو دامنه مذکور قرار گیرد. طبیعتاً بانک‌های دارای مازاد منابع به سمت نرخ‌های نزدیک به نرخ جریمه بانک مرکزی راغب بوده و بانک متقاضی در پی منابع با

نرخ نزدیک به کف بازار هستند. نرخ مزبور در دامنه مذکور تحقق یافته و حسب شرایط به یکی از دو کرانه متمایل خواهد بود.

به‌طور خلاصه معیارهای ذیل در تعیین نرخ سود معاملات در بازار بین بانکی ریالی دخیل خواهد بود:

الف- نرخ سود دریافتی از معامله در بازار بین بانکی برای بانک سپرده‌گذار باید در محدوده‌ای تعیین شود که علاوه بر پوشش سود سپرده‌های مشتریان، متضمن سودی برای بانک سپرده‌گذار باشد. لذا این نرخ می‌باید در محدوده‌ای بالاتر از نرخ‌های تعیین شده برای سپرده‌پذیری بین بانکی و مشتری نوسان داشته باشد.

ب- به‌منظور پرهیز از آثار انبساطی عرضه منابع ریالی بانک مرکزی، نرخ‌های سود در سطحی تعیین خواهد شد که حتی‌الامکان نقش بانک مرکزی در عرضه وجوه تضعیف شود. به‌عبارت دیگر، لازم است نرخ سود جاری در بازار بین بانکی شرایط لازم جهت فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی را فراهم نموده و از تمایل آن‌ها جهت اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی بکاهد.

ج- نرخ سود بازار بین بانکی نمی‌باید در سطحی قرار داشته باشد که انگیزه و تمایلی از سوی فعالان بازار جهت عرضه وجوه وجود نداشته باشد و یا اینکه به‌گونه‌ای باشد که به‌عنوان بدیلی برای تجهیز منابع سپرده‌ای تلقی گردد.

د- از آنجایی که نرخ سود بازار بین بانکی معمولاً به‌عنوان نرخ پایه و شاخصی برای تعیین نرخ سود در سایر بازارهای مالی متشکل و غیرمتشکل مورد استفاده و استناد است، لذا ضرورت دارد تا نرخ مزبور با سیاست‌های کلان اقتصادی کشور به‌طور اعم و سیاست‌های پولی، مالی و ارزی کشور به‌طور اخص سازگار باشد. نقش بانک مرکزی در هدایت و کنترل بازار از این جهت قابل توجه است.

ه- نرخ سود هدف، باید علاوه بر متکی بودن بر نیروهای عرضه و تقاضای بازار در محدوده خاصی کنترل شود؛ لیکن تا حد ممکن باید از تعیین نرخ‌ها به‌صورت دستوری خودداری شود.

و- نرخ بازار با دوره زمانی منابع مبادله شده رابطه معکوس دارد. هر چه دوره زمانی ابزار مورد معامله در بازار بین بانکی طولانی‌تر باشد، سپرده‌گیری و سپرده‌گذاری در این بازار کارکردی شبیه قبول سپرده و اعطای تسهیلات اعتباری به مشتریان پیدا خواهد کرد. لذا انتظار می‌رود که منابع بسیار کوتاه‌مدت با نرخ بالاتری عرضه گردد و برعکس.

ز- نرخ سود هدف و دامنه نوسان آن باید از انعطاف‌پذیری برخوردار باشد تا برحسب شرایط اقتصاد کشور تعدیلات لازم در آن صورت پذیرد.

۵- نقش بانک مرکزی در بازار

بر اساس ماده ۱۰ قانون عملیات پولی و بانکی کشور^۱، بانک مرکزی مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری بر اساس سیاست کلی اقتصاد کشور است. مهم‌ترین و صریح‌ترین هدف این بانک، حفظ ارزش پول ملی یا ثبات قیمت‌ها، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها، تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است. بانک مرکزی در چارچوب وظایف و اختیارات مصرح در فصل دوم قانون مزبور می‌تواند با اخذ تأمین کافی، نیازهای اعتباری بانک‌ها را تأمین کند.

۵-۱- تنظیم قوانین و مقررات بازار و نظارت بر آن

در چارچوب وظایف و مسئولیت‌های مصرح در قانون، تدوین ضوابط و مقررات ناظر بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، نظارت مستمر بر عملکرد و حسن اجرای قوانین توسط این مؤسسات بر عهده بانک مرکزی است. در این چارچوب، تأسیس و گسترش بازار بین بانکی در اکثر کشورها با کمک و همراهی بانک مرکزی به مورد اجراء گذاشته شده است. حتی در مواردی خاص که تشکیلات مجزا برای عملیات بازار بانکی تعبیه شده است، هدایت و رهبری، سیاستگذاری، نظارت و کنترل بازار توسط بانک مرکزی صورت می‌پذیرد.

بانک مرکزی بر حسب وظایف قانونی خود و به عنوان متولی امر، کلیه امور مربوط به تدوین مقررات و تجدید نظر مقررات ناظر بر بازار، تعیین شرایط عضویت در بازار به همراه صدور مجوز فعالیت در بازار، معرفی انواع معاملات مجاز، مرجع حل اختلاف بین اعضاء و اعمال اقدامات تنبیهی، تعیین نرخ هدف معاملات به همراه تعریف دامنه مجاز تغییرات نرخ را برعهده داشته و حسب مقتضیات زمانی و در شرایط اضطراری نسبت به تعطیلی بازار، محدود نمودن معاملات و یا اعمال مقررات خاص اقدام می‌کند. در این راستا و در اجرای وظایف فوق، بانک مرکزی می‌باید در ابتدای هر سال و همچنین در طول سال، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بازار را در چارچوب سیاست‌های پولی و ارزی، تعیین کند.

^۱ مصوب تیرماه ۱۳۵۱ و اصلاحیه سال ۱۳۵۸

۲-۵- تعیین نرخ هدف^۱

مهم‌ترین ملاحظه سیاستی بانک مرکزی، تحقق اهداف کلان اقتصادی و در رأس آن ایجاد ثبات در قیمت‌ها از طریق نیل به نرخ تورم هدف‌گذاری شده است. برحسب اهداف کلان اقتصادی که در اسناد بالادستی برای بانک مرکزی تعیین شده‌اند، بانک مرکزی باید سطحی از نرخ در بازار بین بانکی را در سازگاری با اهداف کلان اقتصادی تعریف کند. این همان نرخ هدف است که می‌توان آن را نرخ هدف تلقی کرد.

بانک مرکزی ممکن است بنا بر سیاست‌های خود، نرخ هدف را صراحتاً اعلام و یا در مورد آن سکوت اختیار کند. نظریه‌پردازان در مورد درجه ابهام بانک مرکزی در اعلام اهداف خود اتفاق نظر ندارند. اما گرایش کلی آن است که در صورت علامت دهی بانک مرکزی در مورد اهداف سیاستی خود، احتمال همراهی ضمنی فعالان اقتصادی برای تحقق اهداف کلان اقتصادی بیشتر خواهد بود. در این نظریه، بانک مرکزی از طریق اعلام ضمنی یا صریح اهداف سیاستی، بر درک و باور آحاد اقتصادی اثر گذاشته و در فرایند شکل‌دهی انتظارات آن‌ها مداخله می‌کند.

نرخ بازار بیش از آن که یک متغیر قابل هدف‌گذاری باشد، یک ابزار سیاستی برای تحقق اهداف کلان اقتصادی است. بر این اساس، نباید نرخ هدف را متغیری ایستا تلقی کرد. نرخ هدف، متغیری پرنوسان است که به شکاف بین مقادیر واقعی متغیرهای هدف از مقادیر هدف‌گذاری شده آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد. قاعده تیلور^۲ یکی از قواعد ساده و معمولی در متون سیاست‌گذاری پولی است که به سیاستگذار پولی نشان می‌دهد چگونه لازم است نرخ بهره را متناسب با شکاف تولید و سطح تورم تنظیم کند.

قاعده تیلور نمونه‌ای از توابع عکس‌العمل^۳ سیاستگذار پولی است که نحوه عکس‌العمل ابزارهای سیاستی را به میزان انحراف متغیرهای هدف از سطح هدف‌گذاری شده برای آن‌ها نشان می‌دهد. نرخ هدف در واقع نرخ مطلوب بانک مرکزی است که بنابر تحلیل این بانک، با اهداف کلان اقتصادی سازگار می‌باشد. به عبارت دیگر نرخ مزبور بهترین عکس‌العمل سیاستگذار پولی را نسبت به تحولات اقتصاد کلان نشان می‌دهد.

^۱ ر.ک. "ملاحظات درآمد بازار بین بانکی ریالی: کارکرد معاملاتی و کارکرد سیاستی" گزارش داخلی اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا. خرداد ۱۳۸۵.

^۲ Taylor rule

^۳ Reaction Function

از آنجا که مبادلات در بازار بین بانکی براساس تمایل بازیگران شکل می‌گیرد، بانک مرکزی نمی‌تواند نرخ را بر مبادلات این بازار تحمیل کند. اما بانک مرکزی می‌تواند با توجه به نقش دوگانه‌ای که در این بازار دارد، نرخ معمول در مبادلات را به نرخ هدف نزدیک کند. بانک مرکزی به عنوان یک بازیگر اصلی می‌تواند با خرید و فروش، به بازیگران به ترتیب، علامت افزایش و کاهش نرخ دهد. به میزانی که بازیگران، سیاست‌های بانک مرکزی را معتبر تلقی کنند، اثر علامت‌دهی نرخ‌های خرید و فروش بانک مرکزی بر بازار بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر بانک مرکزی به‌عنوان سامان‌ده بازار می‌تواند از ابزارهای انگیزشی لازم برای هدایت نرخ‌های مبادله به نرخ مورد نظر خود استفاده کند.

۶- اصلاح رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی

ضرورت اصلاح رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی و ماهیت متفاوت منابع اعتباری بانک مرکزی که آن را در زمره آخرین مأخذ جهت دریافت اعتبار قرار می‌دهد، ایجاد و گسترش بازار بین بانکی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. بانک‌ها جهت انجام فعالیت‌های مربوط به واسطه‌گری مالی و ارائه خدمات بانکی و رفع نیازهای عملیاتی خود، همواره نیازمند منابع سایر بانک‌ها و گشایش حساب نزد یکدیگر هستند که هدف عمده آن تسهیل امور بانکی می‌باشد. بانک مرکزی نیز از مجموعه سیستم بانکی مستثنی نبوده و بخش دیگری از روابط مذکور در قالب روابط موجود بین بانک‌ها با بانک مرکزی در چارچوب وظایف قانونی و نظارتی این بانک و تلاش در جهت اجرای نظام پولی کشور برقرار است. درپه‌های اعتباری بانک مرکزی که در حال حاضر در اختیار بانک‌ها می‌باشد، عمدتاً شامل: اضافه برداشت، بدهی بانک‌ها بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز، اعتبارات مستقیم و تنخواه‌گردان پرداخت وجوه دولتی می‌باشد. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به‌عنوان یکی از اجزاء پایه پولی از اولویت ویژه‌ای در اجرای سیاست‌های پولی برخوردار است. سیاستگذاران پولی همواره در صدد کنترل این جزء از پایه پولی بوده و تلاش‌های گسترده‌ای را در جهت جلوگیری از افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی انجام می‌دهند. این درحالی است که مسأله فوق در شرایط اعمال سیاست‌های پولی انقباضی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند از میان روش‌های مختلف تأمین مالی، اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی نیازمندی تشریفات قانونی خاصی نبوده و به‌آسانی در اختیار بانک‌ها است. وجود این رویه تأمین نقدینگی برای بانک‌های دولتی به‌دلیل حمایت بانک مرکزی در تأمین سلامت نظام پرداخت در سیستم بانکی می‌باشد. برخورداری از این تسهیلات، بانک‌ها را قادر

می‌سازد تا در اسرع وقت، ریسک نقدینگی و بعضاً ریسک اعتباری خود را پوشش داده و تعهدات پرداخت خود را سامان‌دهی و مدیریت نمایند. تداوم این وضعیت و عدم رسیدگی منظم به ساختار مالی بانک‌ها منجر گردیده تا این دریچه تسهیلاتی که علی‌القاعده می‌باید به‌عنوان منبع تأمین نقدینگی و نیازهای بسیار کوتاه‌مدت (روزانه) باشد، بعضاً جایگزین دریچه استقراض گردد. سایر دریچه‌های اعتباری بانک مرکزی نیز طی سال‌های گذشته در ایجاد شکاف بین اهداف و عملکرد متغیرهای پولی و اعتباری مؤثر بوده است، لیکن اضافه برداشت‌ها چون قابل برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شده نیست، بیش از سایر روش‌ها در خنثی‌کردن سیاست‌های پولی نقش داشته است؛ ضمن اینکه علی‌رغم تأکید قانون، هیچگاه این روند مثبتی بر تأمین وثیقه نبوده است.^۱

طی سال‌های اخیر رشد نقدینگی در کشور بسیار بالاتر از اهداف موردنظر بوده و تهدیدات تورمی همواره اقتصاد کشور را در معرض آسیب قرار داده است. از این رو بانک مرکزی همواره در صدد کاهش جزء بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با هدف کنترل پایه پولی است.

مطالعه آمار و ارقام نشان می‌دهد در اغلب سال‌های اخیر جزء مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها همواره سهم قابل توجهی در رشد پایه پولی داشته است. به‌طوری‌که در پایان سال ۱۳۸۵ از ۲۶/۸ واحد درصد رشد پایه پولی، ۸/۷ واحد درصد از آن مربوط به مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها بوده است. در همین سال معادل ۴/۳ واحد درصد از رشد پایه پولی ناشی از حساب اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای بدهی بانک‌ها بوده است که قابل توجه بوده و کنترل آن اولویت بالایی برای بانک مرکزی دارد.

بانک مرکزی به‌عنوان متولی سیاست‌های پولی و اعتباری جهت اعمال سیاست‌های انقباضی پولی در کشور، هر ساله متحمل هزینه‌های بالایی می‌گردد تا با استفاده از ابزارهای محدود در دسترس از جمله اوراق مشارکت، پایه پولی و نقدینگی را کنترل نماید. لیکن نکته قابل توجه مقایسه اثرات دو جزء "انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی" به‌عنوان ابزاری در جهت اعمال سیاست‌های انقباضی پولی و "اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی" به‌عنوان خنثی‌کننده سیاست‌های انقباضی پولی طی سال‌های اخیر می‌باشد. در واقع بخش عمده‌ای از تلاش‌ها و هزینه‌های انجام شده از طریق انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی در جهت کنترل پایه پولی و

^۱ معمولاً گرفتن وثیقه با دو هدف صورت می‌گیرد: اول اینکه از برگشت اصل و فرع منبع تخصیص یافته اطمینان حاصل شود. دیگر اینکه بعضاً با اینکه نگرانی از مورد اول وجود ندارد، لیکن برگشت در محدوده زمانی مشخص موردنظر است. در مورد منابع اختصاص یافته از طریق بانک مرکزی به بانک‌های دولتی، عمده نگرانی مربوط به مورد دوم است تا آثار انبساطی آن به حداقل ممکن کاهش یابد.

نقدینگی در کشور صرفاً توسط جزء اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی کم اثر شده و تا حد قابل توجهی سیاستهای پولی انقباضی بانک مرکزی خنثی شده است. به عبارت دیگر، در پایان سال ۱۳۸۵ حاصل تلاش بانک مرکزی از انتشار اوراق مشارکت تنها ۴/۹ واحد درصد در انقباض پایه پولی مؤثر بوده است، درحالی که جزء اضافه برداشت بانکها در همین سال منجر به رشد ۴/۳ واحد درصد در پایه پولی شده و عملاً اثرات انتشار اوراق مشارکت را خنثی نموده است. بدیهی است با گسترش و راهاندازی بازار بین بانکی ریالی و همچنین رفع موانع ناشی از الزامات و فشارها بر سیستم بانکی به همراه زمینه‌سازی جهت آزاد سازی فعالیت‌های بانکی، شرایط استفاده از تسهیلاتی نظیر استقراض و نقش بانک مرکزی به‌عنوان وام‌دهنده نهایی باید به‌صورت دقیق مورد بازبینی واقع شود. در این رابطه تعریف دقیق و شرایط ناظر بر استفاده از دریچه حائز اهمیت فوق‌العاده است. زیرا تنظیم مقررات و روابط بانک مرکزی با بانکها در کلیه سطوح فوق‌خصوصاً در مرحله استفاده بانکها از تسهیلات می‌باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که زیان اخلاقی ناشی از این ترتیبات به حداقل ممکن کاهش یابد.

۷- نقش بازار بین بانکی در سیستم تسویه ناخالص آنی

در حال حاضر بانک مرکزی در آستانه تحول در نظام تسویه پرداختهاست. نظام تسویه پرداختها در حال گذار به سوی سیستم تسویه ناخالص به‌صورت بلادرنگ می‌باشد که اصطلاحاً RTGS^۱ نامیده می‌شود. با به‌کارگیری این سیستم زمان برای تسویه پرداخت خصوصاً برای پرداخت‌های عمده به نحو چشمگیری کاهش خواهد یافت. اجرای این سیستم منجر به افزایش تقاضای نقدینگی بانکها برای گردش بی‌وقفه و هموار سیستم بلادرنگ گردیده و این امر می‌تواند ریسک سیاست پولی را افزایش دهد.

در سیستم تسویه ناخالص بلادرنگ به دلیل ناخالص بودن پرداختها، دریافت‌های بانک بستانکار با پرداخت‌های آن پا به پا نمی‌شود؛ درحالی که در سیستم‌های خالص چند جانبه^۲، این پایه‌پایی صورت گرفته و دریافتها و پرداختها به‌صورت خالص تسویه می‌شود. لذا حجم نقدینگی موردنیاز در سیستم‌های خالص چند جانبه به‌میزان قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سیستم‌های ناخالص کمتر است. توضیح آن که با فرض حجم یکسانی از دستور پرداخت روزانه، حجم نقدینگی موردنیاز در سیستم جدید به جهت خصوصیات آن از جمله ناخالص و آنی بدون

^۱ Real Time Gross Settlement

^۲ Multilateral Net Settlement System (MNS)

تسویه در قیاس با روش مرسوم، چند برابر خواهد بود. لذا بانک‌های مرکزی معمولاً با دخالت در راهبری و هدایت سیستم، منابعی را به صورت بین روز با اخذ وثائق لازم در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند تا از قفل شدن آن جلوگیری نمایند. بدیهی است که این منابع تنها نقش روان کردن سیستم را برعهده داشته و انتظار می‌رود که با تسهیل فرایند مزبور نهایتاً تا پایان روز برگشت داده شده و در جریان خلق پول قرار نگیرد. هرچند نقدینگی مذکور صرفاً برای استفاده بین روز بوده و بانک‌ها الزاماً می‌بایست نقدینگی مذکور را در پایان روز عودت دهند، اما در عمل ممکن است که حساب تسویه بانک‌ها نزد بانک مرکزی در پایان روز بدهکار باقی بماند و برای تسویه این حساب، بانک‌ها متقاضی نقدینگی پایان روز باشند. می‌توان انتظار داشت که سیستم جدید، فشار بانک‌ها بر بانک مرکزی در استفاده از منابع پایه پولی به خصوص در مورد بانک‌های دولتی و مخاطرات ناشی از تزریق ناخواسته منابع بانک مرکزی را افزایش دهد. لذا ضرورت دارد تمهیدات لازم و نهادها و ابزارهای کنترلی مورد نیاز فراهم گردد.

در بین روش‌های متنوعی که برای تأمین نقدینگی پایان روز مورد نیاز بانک‌ها وجود دارد، استقراض از بازار بین بانکی، بدلیل نقش آن در کاهش وابستگی بانک‌ها به بانک مرکزی و توزیع کاراتر نقدینگی، بر روش‌های دیگر برتری دارد. بنابراین ضرورت دارد در هنگامه تغییر نظام تسویه پرداخت‌ها به RTGS، به توسعه و تقویت بازار بین بانکی توجه و تأکید مضاعفی مبذول گردد.

وجود بازار بین بانکی به بانک‌ها اجازه می‌دهد که در نرخ تعادلی بازار اقدام به استقراض یا سپرده‌گذاری نمایند. نرخ تعادلی همواره برای استقراض پائین‌تر از نرخ‌های تنبیهی بانک مرکزی برای مدیریت فعال نقدینگی بوده و به بانک‌ها اجازه می‌دهد در سیستم تسویه در زمان لازم اقدام نمایند.

از دیگر کارکردهای بازار بین بانکی، فراهم آوردن محیطی است که در آن بانک مرکزی قادر خواهد بود تا وثائق اخذ شده از بانک‌ها را به سرعت نقد نماید. توضیح آنکه در سیستم تسویه ناخالص آنی به شرحی که گذشت، بانک مرکزی بخشی از نیازهای نقدینگی بین روز بانک‌ها را در ازای اخذ وثیقه کامل و یا جزیی تأمین نموده و بانک‌ها را ملزم به برگشت آن در پایان همان روز می‌نماید. بانک‌هایی که نتوانند نسبت به باز پرداخت تسهیلات بین روز بانک مرکزی اقدام نمایند، وثائق تأدیه شده آن‌ها نزد بانک مرکزی، در بازار مزبور به حراج گذاشته شده و بدین ترتیب با بازگشت منابع بانک مرکزی، حتی‌الامکان از تبدیل شدن منابع بین روز به منابع پایان روز ممانعت به عمل آمده و ریسک سیاست پولی کاهش خواهد یافت.

۸- اقدامات انجام شده جهت راه اندازی بازار بین بانکی ریالی

اگرچه تاکنون بازار منسجم و متشکلی با نظارت و کنترل بانک مرکزی در چارچوب قوانین و مقررات مدون و دستورالعمل‌های مشخص شکل نگرفته است، لیکن به جهت نقش و اهمیت این بازار در عملیات بانکی، همواره ارتباطاتی بین بانک‌ها برقرار بوده و بعضاً بانک‌ها منابع مورد نیاز خود را از طریق مراجعه به سایر بانک‌ها تأمین کرده و این رویه همچنان ادامه دارد. بانک مرکزی معمولاً در برابر اضافه برداشت بانک‌ها مقاومت داشته و حتی خطوط اعتباری بانک مرکزی که در قالب قرارداد با نرخ و زمان مشخص اعطا می‌گردد، مسیر هموار و روانی نداشته و در موارد معدودی بانک‌ها را به استفاده از منابع بین بانکی سوق داده است. لیکن همان‌طور که گذشت بانک مرکزی به جهت ملاحظات متعدد و با ملحوظ کردن شرایط خاص حاکم بر بانک‌های دولتی، تنها ملجا و محل رجوع بانک‌ها بوده و از جایگاه آخرین منبع تأمین منبع، به اولین و یگانه ملجا مطمئن تبدیل شده است.

ضرورت کنترل و مدیریت متغیرهای پولی و اعتباری در چارچوب رژیم سیاست پولی پذیرفته شده در کشور، بانک مرکزی را بر آن داشته تا ایجاد و راه اندازی بازار بین بانکی ریالی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و اقدامات جدی را از چند سال پیش آغاز نماید. نتایج این اقدامات در قالب "آیین‌نامه اجرایی بازار بین بانکی ریالی" و دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین بانکی ریالی" مدون شده و به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است.

در چارچوب ضوابط فوق‌الشاره، بانک مرکزی به‌عنوان مسئول و متولی بازار و به‌عنوان آخرین مرجع تأمین‌کننده وجوه بین بانکی، هدایت، راهبری، کنترل بازار و اجرای سیاست پولی از طریق مدیریت جریان وجوه در بازار را بر عهده داشته و حسب مقتضیات زمانی و شرایط کلی اقتصاد، در بازار مداخله می‌نماید. در این راستا و در اجرای وظایف فوق، بانک مرکزی می‌باید در ابتدای هر سال و همچنین در طول سال، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بازار را در چارچوب سیاست‌های پولی و ارزی تعیین، و به واحدهای اجرایی اعلام نماید. محورهای کلی اداره بازار را می‌توان در سرفصل‌های زیر طبقه‌بندی نمود.

۱- سیاستگذاری در زمینه مدیریت جریان وجوه بازار

۲- تصویب ضوابط عضویت در بازار

۳- تصمیم‌گیری در خصوص ابزارهای قابل معامله

۴- تصمیم‌گیری در زمینه روش‌های مداخله بانک مرکزی

۵- نحوه رسیدگی به اختلاف بین اعضاء

۶- تعیین نرخ سود هدف (نرخ سود مورد نظر بانک مرکزی جهت هدایت بازار)

۷- تعیین دامنه‌های مجاز نوسان نرخ سود بازار

در ابتدای شروع به کار بازار، اعضای بازار بین بانکی به سبب فضای کار موجود محدود دیده شده است. زیرا بازار پول و سرمایه ایران مانند کشورهای پیشرفته از عمق و گسترش کافی برخوردار نیست تا بتواند تنوع اعضاء، ابزار و گستردگی عملیات را پشتیبانی نماید. علاوه بر آن، سهم قابل توجه بانک‌های دولتی از بازار، محدودیت‌های قانونی موجود در فعالیت‌های بانکی و نوپایی بازار بین بانکی از جمله عواملی هستند که ضرورت حرکت گام به گام بازار بین بانکی از حوزه محدود به فراگیر را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

بحث مرتبط با بانک مرکزی مشتمل بر ساختار اداری ناظر بر بازار بوده و ارکان بازار و تشکیلات اجرایی آن، در بانک مرکزی مستقر خواهد بود. هیأت عامل بانک مرکزی^۱ با عنایت به رسالتی که برعهده دارد به‌عنوان بالاترین رده سیاستگذاری و نظارتی بازار بین بانکی در نظر گرفته شده است. از آنجایی که قرار است بخشی از سیاست‌های پولی بانک مرکزی به‌طور غیرمستقیم از طریق بازار بین بانکی اعمال شود، بنابراین هیأت عامل بانک مرکزی بهترین گزینه برای هدایت و کنترل بازار می‌باشد.

در رابطه با بازار بین بانکی ریالی، کمیسیون اعتباری به لحاظ ترکیب اعضاء (مدیران کل بخش ارزی، اقتصادی، حقوقی و اعتبارات به ریاست قائم مقام بانک مرکزی)، تخصصی‌ترین کمیته برای ایفای نقش سیاستگذار رده دوم بازار بین بانکی است که وظیفه رکن مطالعاتی را نیز بر عهده می‌گیرد. از طرف دیگر کمیسیون اعتباری باید خط‌مشی‌های کلی در خصوص اداره بازار را از هیأت عامل اخذ و با صدور بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و ... به‌صورت اجرایی درآورده و به اعضاء ابلاغ نماید. همچنین تعیین ضوابط عضویت، و رسیدگی به اختلاف بین اعضاء از دیگر وظایف کمیسیون اعتباری در ارتباط با بازار بین بانکی خواهد بود.

علاوه بر آن تشکیلات اجرایی متشکل از مجموعه سخت‌افزار، نرم‌افزار و انسان‌افزار مورد نیاز است که نقطه تماس بازار با بانک مرکزی است. این مجموعه شامل واحد عملیاتی و واحد تسویه معاملات است که توسط یک مرکز مدیریت و هدایت می‌شود.

در مجموعه قوانین و دستورالعمل‌های تنظیم شده، انواع ابزارها و روش‌های معامله معرفی شده است. به‌منظور اجرایی کردن آن، در مقررات ناظر بر روابط اعضاء، نحوه معامله هر ابزار

^۱ بر اساس بند الف ماده ۱۹ قانون پولی و بانکی کشور، هیأت عامل بانک مرکزی مرکب از رئیس کل، قائم‌مقام، دبیرکل بانک و سه نفر معاون می‌باشد.

شامل میزان سقف و کف حجم معامله، نرخ سود، سررسیدهای معین، شرایط نکول و ... توضیح داده شده است.

با تمهیدات اندیشیده شده، در بدو امر تمرکز بازار، بیشتر بر ابزار سپرده‌گذاری است. این ابزار در قیاس با دیگر ابزارها از شرایط اجرایی روان‌تری برخوردار است. هم‌اکنون مطالعه روی اجرایی کردن ابزار اوراق مشارکت در دست اجرا است. اوراق مشارکت نزد بانک‌ها به صورت کاغذی بوده و خرید و فروش آن نیازمند انتقال فیزیکی است که فرایند تسویه را با مشکل مواجه می‌کند. راه حل این مشکل، طراحی و اجرای سیستم تسویه اوراق بهادار و یا الکترونیکی نمودن این اوراق است. ایجاد خزانه مرکزی^۱ و انتقال اوراق بهادار به همراه اختصاص کدهای خاص نیز می‌تواند نیاز به انتقال فیزیکی اوراق را مرتفع نموده و عملیات خرید و فروش اوراق را تسریع نماید. ابزار خرید دین نیز با توجه به حجم اندک آن نمی‌تواند چندان مؤثر باشد. براساس آخرین ارقام، سهم خرید دین از مجموع تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی کمتر از ۰/۲ درصد (حدود ۲۰۰۰ میلیارد ریال) است. لیکن معرفی و پذیرش ابزار مزبور در بازار، می‌تواند مقدمات و انگیزه‌های لازم را فراهم آورد تا بانک‌ها متمایل به ابزارهای جدید گردند. از جمله این ابزارها می‌توان به اوراق بهادارسازی^۲ دارایی‌های غیرنقد بانک‌ها از محل تسهیلات اعطایی در قالب عقود اشاره کرد که قابل خرید و فروش در بازار بین بانکی خواهد بود. خرید و فروش دین در نقدکردن وثائق تودیع شده نزد بانک مرکزی نیز کاربرد خواهد داشت. گواهی سپرده عام و خاص در حال حاضر رواج چندانی در شبکه بانکی نداشته و بالطبع مبادله آن در بازار منتفی خواهد بود.

^۱ Central depository

^۲ Securitization

منابع و مأخذ

اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی ج.ا.ا. "ملاحظات در مورد بازار بین بانکی ریالی: کارکرد معاملاتی و کارکرد سیاستی" گزارش داخلی، خرداد ۱۳۸۵.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. تیرماه ۱۳۵۱. "قانون پولی و بانکی کشور".

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۳. "قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)".

حاجیان، محمدرضا. تابستان ۱۳۸۵. "بازار بین بانکی ریالی". پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

مجموعه گزارش‌ها و اطلاعات و آمار موجود در دایره پولی اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مجموعه مقررات ناظر بر معاملات خرید دین، اوراق مشارکت، گواهی سپرده و سپرده‌گذاری بانکی.